

حقیقت و معنای کوثر از منظر قرآن و روایات

فریبا اسمعیل پور^۱

چکیده

سوره کوثر، کوچکترین سوره قرآن، حاوی عبارات، مضامین و معارف زیباست که سرشار از مجموعه‌ی زیبایی‌ها و اصالت‌ها می‌باشد. که ذات اقدس اله، حقیقت کوثر را، برای تمام بشریت، بلکه تمام هستی، جاری نموده و به پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) اعطا کرده است و پیامبر به واسطه این فیض عظیم نازله امانت دار استمرار ولایت الهی شدند؛ این خیر کثیر، کثرتی است مداوم که انتها و فنا ندارد و حلقه‌ای محکم بین رسالت و امامت است؛ سوره کوثر از ابتدای نزول، اهمیت خاصی در نگاه مفسران برخوردار بوده است و برداشت‌ها و مفاهیم متفاوتی از این سوره مبارکه ارائه شده است. با تمام تحقیقات انجام شده هنورشبهاتی در مورد حقیقت کوثر و هدف از نزول سوره کوثر باقی مانده است. در مقاله حاضر از منابع دست اول کتابخانه‌ای و مقالات معتبر و با روش توصیفی، تحلیلی می‌باشد و سعی شده تا گوشه‌ای از معارف و حقایق عمیق و مهم این سوره را از دیدگاه استمرار ولایت الهی از طریق سلاله پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) را که به آن پرداخته نشده را به نگارش در آورده و بعد از بررسی مصداق و حقیقت کوثر به استمرار ولایت الهی و روش بهره‌مندی امت از این فیض عظیم پرداخته شده است.

کلید واژگان: ابتر، حقیقت کوثر، سوره کوثر، ولایت الهی

مقدمه

ما در دورانی هستیم که حقیقت در پس پرده‌های تلخ دنیا مخفی شده و صراط مستقیم انسانی با موانع بسیاری مسدود گردیده است. لذا ضروری است که جامعه بشری با تیزبینی و بازننگری در هدایت و انسانیت خویش و با رویکرد به قرآن، با دلی پاک و با کنار زدن پرده‌های غفلت به چستی و حقیقت ولایتی کوثر پردازد.

تاکنون کتاب‌ها و مقاله‌های بی‌شماری پیرامون سوره مبارکه کوثر نوشته شده و هر کدام به گوشه‌ای از فضایل و مناقب سرور بانوان دو عالم به قدر توان مو شکافی کرده‌اند، بدیهی است دخت پیامبر (سَلَامُ اللهُ عَلَيْهَا) بالاتر از این نوشته‌ها و پندار هاست.

بررسی این که مراد آیه شریفه از سوره کوثر در زمان نزول و مصداق کوثر چه چیزی است؟

^۱ طلبه سطح دو، مجتمع علوم اسلامی کوثر، esfariiba@gmail.com

سوالی بحث برانگیز در میان مفسران و پژوهشگران بوده است. در این میان مصداق کوثر را به نهر بهشتی، شفاعت و کثرت نسل... که مورد توجه آنها قرار گرفته شده است.

حسین عرب استاد دانشگاه و حوزه می نویسد: حقیقت اصل هستی، که هستی واجب الوجود است و بویژه رسیدن به اصل توحید و قدرت و تبیین آن برای دیگران در حیطه شخصیت انسان کامل است آخرین حد امکان شناخت خدا، چشیدن گوهر ناب توحید است و سهم انسان های کامل و از جمله حضرت زهرا (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهَا) است. در مقاله ذکر شده از جنبه دیدگاه توحیدی به حقیقت کوثر پرداخته شده است. ولی جای بررسی و حقیقت ولایی کوثر در بین مقالات مرتبط، خالی و ضروری است. در مقاله حاضر با توجه به قرائن موجود و بررسی حقیقت و تفسیر آیه، عهده دار پاسخ به این سوال می باشد که حقیقت مبتنی بر ولایت و وراثت الهی در سوره کوثر چیست؟

ضروری است برای پاسخ به این سوال مهم و بررسی عمیقی در مفاهیم ذکر شده در این سوره صورت گیرد، تا بدین وسیله بتوان به اثبات وراثت، ولایت الهی به پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) از طریق کوثریت پرداخت و به هدف اثبات استمرار ولایت الهی از طریق پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) و از نسل فاطمه زهرا (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهَا) دست یافت.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوثَرَ (۱) فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ (۲) إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ (۳)

به نام خداوند بخشنده مهربان

ما تو را (چشمه) کوثر دادیم (۱) پس برای پروردگارت نماز گزار و قربانی کن (۲) دشمنت خود بی تبار خواهد بود.

۱- مشخصات سوره کوثر

"سوره کوثر جزو سوره های مکی و در ترتیب نزول، پانزدهمین سوره ای است که بر پیامبر

(صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) نازل شده است. در چينش کنونی مُصَحَّف شریف، صد و هشتمین سوره و در جزء سی ام قرآن جای دارد."^۱

سوره کوثر ۳ آیه، ۱۰ کلمه و ۴۳ حرف دارد. این سوره کوچک ترین سوره قرآن است.

^۱ معرفت، آموزش علوم قرآن، ج ۲، ص ۱۶۶

"محتوای این سوره مانند سوره‌های الضحی و الانشراح، می باشد و خداوند در همه آیاتش پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) را خطاب قرار داده است."^۱

این سوره را از آن رو کوثر نامیده‌اند که، در "نخستین آیه آن از نعمت و خیر کثیری نامبرده شده است که خدا به پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) اعطا کرده است."^۲ مفسران کوثر را به خیر فراوان تفسیر کرده‌اند^۳ "خیری که از پیامبر خواسته شده در ازای آن، نماز بخواند و قربانی کند"^۴

در اینکه مصداق کوثر چیست بین مفسرین اختلاف نظر وجود دارد. از جمله: حوض کوثر، رودی در بهشت، خیر فراوان، اسلام، نبوت، قرآن، شمار فراوان اصحاب و پیروان، تعداد زیاد نسل پیامبر و شفاعت معرفی شده است.

۱-۲- شأن نزول

سوره کوثر درباره سخنی که عاص بن وائل، درباره پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) گفت، نازل شده است او به علت آنکه عبدالله فرزند رسول خدا از دنیا رفته بود و پیامبر پسری نداشت.

در بین بزرگان قریش، از پیامبر با واژه ابتر (بی‌نسل) یاد کرد.^۵ خداوند با این سوره، به پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) بشارت داد که به او خیر فراوان عطا شده است. همچنین به ایشان بشارت داد که دشمنان او ابتر خواهند بود.^۶ خداوند ابتر بودن را از پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) نفی کرده بود و به دشمن نسبت داده است. "همانگونه که پدرت گمان می برد."^۷

البته خوب است بدانیم، که عاص بن وائل ده پسر داشت که هیچ یک برای او باقی نماندند.

۲- دلایل محوریت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) در سوره کوثر

شأن نزول سوره کوثر به وجود مقدس حضرت فاطمه زهرا (سَلَامُ اللهُ عَلَيْهَا) بر می گردد و بسیاری از مفسران گفته اند:

۱ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۳۷۰

۲ همان

۳ طبرسی، مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۸۳۵

۴ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۳۷۲

۵ طبرسی، مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۸۳۶ و احدی، اسباب نزول القرآن، ص ۴۹۴

۶ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۳۶۹

۷ معتزلی، ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۳۳۴

"کوثر همان وجود مقدس حضرت زهرا (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهَا) و نسل و ذریه ای است که از ایشان تا روز قیامت ازدیاد پیدا می کند."

در روایات نیز داریم که به رغم آنکه بانوی بزرگ اسلام در سن جوانی از دنیا رفتند اما نسل ائمه اطهار (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) از ایشان تداوم یافت. حضرت فاطمه (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهَا) به خوبی توانستند از دین اسلام و قرآن و اساس اسلام حراست کنند و در رأس آنها ائمه معصومین (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) را که از نسل ایشان باقی مانده است راه حضرت محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) را ادامه داده و اسلام را توسعه دادند. نسل عظیم الشان حضرت فاطمه زهرا (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهَا) ادامه دهنده راه پیامبر است. حضرت فاطمه (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهَا) مادر دو تن از امامان معصوم هستند که ائمه اطهار (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) به جز حضرت علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) از نسل ایشان است.

۳- معنای کوثر

نام این سوره از اولین آیه گرفته شده کلمه کوثر تنها یک بار در قرآن مورد استفاده قرار گرفته است از ریشه "ك. ث. ر." مشتق شده که بر وزن "فَوَعَلْ" به معنای فراوانی که کم نمی شود.

"کوثر به معنی خیر بزرگی است که به پیامبر عطا شده و نیز مرد سخی و کریم را کوثر گویند!"^۱

همچنین "کوثر را به سرور پرخیر معنا می کنند"^۲. "کوثر را خیر زیاد در هر چیز دانسته و به بیان معانی تفاسیر مختلف کوثر می پردازند"^۳ کوثر را "فراوانی از هر چیز" معنی می کند و به معنای "نهر یا مرد بخشنده اشاره می کند"^۴ با آن که ابن عاشور (مفسر اهل سنت) تنها نام سوره را "کوثر" می داند اما دو نام "سوره نحر" و "سوره" "أَنَا أَعْطَيْتُكَ الْكَوْثَرَ" نیز یاد کرده است.^۵ طبرسی در معنای کوثر می نویسد: "کوثر از ریشه کثرت است و بر چیزی اطلاق می شود که شأنیت کثرت در او باشد و مراد از کوثر، خیر فراوان است."^۶

^۱ راغب اصفهانی، مفردات، الفاظ قرآنی، ص ۷۰۳

^۲ ضریحی مجمع البحرین، ج ۳، ص ۶۷۱. تعالی در فقه الغه، ص ۱۸۲

^۳ ابن منظور، لسان العرب، ج ۵، ص ۱۳۳

^۴ فیروز آبادی، القاموس المحيط، ج ۲، ص ۲۱۲

^۵ ابن عاشور، التحریر و التنویر، ج ۳۰، ص ۵۷۱

^۶ طبرسی، مجمع البیان، فی علوم القرآن، ج ۵، ص ۵۴۹

۴- مفهوم شناسی کوثر

واژه کوثر از ریشه کثر، مبالغه در کثرت است. واژه کوثر در تقابل با تکاثر قرار دارد زیرا کوثر به معنای خیر کثیر، چیز خوب و فراوان، بسیار متراکم، مرد بزرگوار بخشنده، نهری در بهشت و مانند آن به کار رفته است. "تکاثر انباشت هر چیزی است که می تواند خیر یا شر باشد. در تکاثر فخر فروشی و نمایش کثرت برای تظاهر مطرح است، در حالی که در کوثر چنین نیست زیرا ذات آن چیز، خیر فراوان را با خود دارد. بنابراین «کوثر در تناقض با تکاثر قرار دارد»^۱. از همین رو دو سوره در قرآن است که یکی به مدح و ستایش از کوثر و دیگری به ذم و سرزنش تکاثر اختصاص یافته است. در اصطلاح قرآنی، مراد از کوثر خیر بسیاری است که هیچ گونه کمبود و نقصانی ندارد به طوری که استمرار و دوام آن خیر کثیر نیازمند شکر و سپاس ویژه‌ای از سوی دارنده آن خواهد بود. بنابراین، آنچه باید در اصطلاح کوثر در سوره به آن توجه کرد، همان کوثریتی است که موجب استمرار اسلام و رهبری آن در خاندان پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) است. با توجه به شأن نزول سوره می توان گفت: مراد از کوثر، حضرت فاطمه (سَلَامُ اللهُ عَلَيْهَا) است. بر اساس همین جایگاه والا است که یکی از واجبات امت نسبت به کوثر الهی حضرت فاطمه (سَلَامُ اللهُ عَلَيْهَا) مودت ایشان به عنوان مزد رسالت است.

خداوند می فرماید: "این همان پاداشی است که خدا بندگان خود را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، بدان مژده داده است. بگو به ازای این رسالت، پاداشی از شما خواستار نیستم، مگر مودت و دوستی درباره خویشاوندانم؛ و هر کس نیکی و مودت به جای آورد و طاعتی اندوزد برای او در ثواب آن خواهیم افزود قطعاً خدا آمرزنده و قدرشناس است."^۲

۵- کوثر در روایات

از ابن عباس روایت شده "کوثر نهری در بهشت است که خدای تعالی، از بین انبیاء، نبی اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) و اهل بیت (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) را به آن مخصوص کرده است"^۳. طبرسی نیز از امام صادق (عَلَيْهِ السَّلَامُ) روایت کرده است. "کوثر شفاعت است."^۴ حضرت رسول (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) درباره ی کوثر فرموده اند:

۱ مغربی، المناقب، ج ۳، ص ۳۵۱

۲ شوری، آیه ۲۳

۳ بحرانی، البرهان فی التفسیر القرآن، ج ۵، ص ۷۷۴

۴ جعفری، ترجمه مجمع البیان، فی التفسیر القرآن، ج ۲۷، ص ۳۱۲

"الْكُوْتَرِ نَهْرٌ يَجْرِي مِنْ تَحْتِ عَرْشِ اللَّهِ مَاوَهُ ابْيَضٌ مِنَ اللَّبَنِ وَأُخْلِي مِنَ الْعَسَلِ وَالسَّيْنُ مِنَ الزَّبَدِ حَصَاةُ الدَّرُّ وَالْمَرْجَانُ تُرَابُهُ الْمِسْكُ الْأَذْفَرُ وَحَشِيئَتُهُ الزَّعْفَرَانُ سِنْخُ قَوَائِمِهِ عَرْشُ رَبِّ الْعَالَمِينَ"^۱

"کوثر نهری است که از زیر عرش خدا جاری است؛ آبش سفیدتر از شیر، شیرین تر از عسل و نرم تر از کره، سنگریزه اش درّ و یاقوت و مرجان، خاکش مشک پربو و گیاهش زعفران و اصل پایه هایش، عرش پروردگار جهانیان است."... پس رسول خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) گریست و اصحابش نیز؛ و آن گاه با دست به علی (عَلَيْهِ السَّلَام) زد و فرمود: "به خدا سوگند ای علی، این نهر فقط برای من نیست، بلکه تنها برای من و برای تو و برای محبین تو پس از من است."

لذا ... "أَلَا وَمَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا لَا يَخْرُجُ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَشْرَبَ مِنَ الْكُوْتَرِ....." "آگاه باشید هر که علی (عَلَيْهِ السَّلَام) را دوست بدارد، از دنیا خارج نمی شود، تا از کوثر بنوشد."^۲

"وَلَا يَشْرَبُ مِنْهُ أَحَدٌ قِيْظًا وَلَا يَتَوَطَّأُ مِنْهُ أَحَدٌ قَيْشَعًا أَبَدًا إِلَّا يَشْرَبُ مِنْهُ مَنْ إِخْفَرَ ذِمَّتِي وَلَا مَنْ قَتَلَ أَهْلَ بَيْتِي"^۳ "و هر که از آن بنوشد، تشنه نمی شود و هر که از آن وضو سازد، هرگز آلوده نمی گردد؛ و از آن نمی نوشد هر که عهد مرا بشکند و هر که اهل بیت را بکشد!"

رسول خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) برای علی (عَلَيْهِ السَّلَام) کوثر را این گونه توصیف می کنند و این نهر در بهشت جاودان است. همان طور که در روایات مشاهده می کنید. «کوثر عطیه ای است که شامل هر کس نمی شود و مختص پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) و اهل بیت (عَلَيْهِمُ السَّلَام) و محبین حقیقی ایشان است.»

۶- کوثر در تفاسیر

مفسرین بر اساس شأن نزول و نیز شواهد تاریخی و روایات، برداشت های گوناگونی از حقیقت کوثر کرده اند. از جمله: نهری در بهشت، کثرت نسل، کثرت پیروان، گسترش اسلام، شفاعت، هدایت، موهبت جاودانه و نعمت ماندگار..... اما بارزترین معنایی که برای کوثر آورده شده است. «وجود مقدس حضرت زهرا (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهَا) و نسل و ذریه ای است که از ایشان تا روز قیامت ازدیاد پیدا می کند.»

۱ فرات کوفی، تفسیر فرات الکوفی، ص ۶۰۹

۲ استرآبادی، تاویل الآیات الظاهره، ص ۸۲۵

۳ مدرسی، من هدی القرآن، ج ۱۸، ص ۳۹۱-۳۹۲

علامه طباطبایی (ره) می فرماید: "منظور از کوثر، کثرت ذریه ای است که خدای تعالی به آن جانب ارزانی داشته نبرد و برکتی است که در نسل آن جانب قرار داده و یا مراد هم خیر کثیر است و هم کثرت ذریه؛ چیزی که هست کثرت ذریه، یکی از مصادیق خیر کثیر است."^۱

مصطفوی نیز در تفسیر روشن آورده اند: "کوثر صیغه ی مبالغه است به معنی خیر کثیر؛ و این معنی در مرتبه اول مربوط به خیر روحی و معنوی و در رأس آن، مقام روحی و رسالت و بعثت از جانب پروردگار متعال است. پس کوثر در مرتبه ی اول، عبارت است از همان بعثت و مقام رسالت است که حقیقت آن، وساطت در میان خالق و مخلوق می باشد."^۲ همچنین در تفسیر «من هدی القرآن» آمده است: "بزرگ ترین تأویل کوثر کتاب و عترت است؛ برای آن که دو دستگیره و وزنه ی سنگین است که رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) پس از خود برای امت گذاشته و به تمسک جستن به آن ها فرمان داده و چنین افزوده است که آن دو از یکدیگر جدا نخواهند شد تا در کنار حوض بر من وارد شوند. بدین گونه، حوض کوثر در بهشت و یا در دهانه ی آن، مجسم کننده کوثری است که تجسم آن در دنیا، به کتاب خدا و عترت فرستاده ی او بوده است."^۳

۷- نظر مفسرین و راویان اهل سنت درباره سوره کوثر

- فخر رازی که از اکابر علمای اهل تسنن است، در ذیل آیه می نویسد: کوثر هشت معنا دارد که تمام آن معانی درباره حضرت صدیقه طاهره، فاطمه زهرا (سَلَامُ اللهُ عَلَيْهَا) است. فخر رازی می گوید: "چگونه، فاطمه کوثر نباشد که چون علی بن الحسین و محمد بن علی باقر العلوم و صادق المصدق (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ)، میوه و ثمره دارد."^۴ امام فخر رازی خواسته یا ناخواسته به این معنا توجه می دهد. "کوثری که در برابر ابتر قرار دارد، مربوط به اسلام و حفظ اصول آن از سوی نسل پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) است. "هر چند که وی به صراحت از ولایت و استمرار آن سخن به میان نیاورده است، اما با اشاره به برخی از امامان (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) نشان می دهد که درک وی از سوره و کوثر، نوعی وراثت اسلام است.

فخر رازی می گوید "همواره در میان اهل بیت (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) و نسل پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) کسانی هستند که پرچم دار علم آن حضرت هستند. معنای سوره این است که خداوند به پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) نسلی می دهد که در طول زمان باقی می ماند.

۱ طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۲۰، ص ۶۳۸

۲ مصطفوی، تفسیر روشن، ج ۱۶، ص ۳۷۸

۳ مدرسی، تفسیر هدایت ترجمه من هدی القرآن، ج ۱۸، ص ۳۶۲

۴ امام فخر رازی، التفسیر الکبیر، ج ۳۲، ص ۱۲۲

بنگر چه تعداد از خانواده وی کشته شدند، در حالی که عالم از فرزندان رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) مملو و آکنده است.^۱ - سید محمود آلوسی بغدادی از مفسران نامدار می نویسد: "می توان یکی از معانی کوثر را زیادی فرزندان رسول گرامی اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) دانست زیرا که عیب جویی دشمنان در ارتباط با فقدان فرزند آن حضرت بوده است."

در معنای آیه می گوید: "ای رسول ما دشمن تو هر که باشد ابتر و دم بریده خواهد بود و نسل و یادش تداوم نخواهد داشت. اما نسل و ذریه و یاد و نام و فضایل تو، توسط فرزندان، تا روز قیامت باقی خواهد ماند."^۲

عبدالله بن عمر بیضاوی از دیگر مفسران برجسته ی اهل سنت^۳، در تفسیر بیضاوی به این معنای "کوثر اشاره نموده و زیادی فرزندان و پیروان حضرت رسول (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) را در شمار معانی کوثر ذکر کرده است."^۴ در مقام حضرت زهرا (سَلَامُ اللهُ عَلَيْهَا) و سوره کوثر در تفاسیر بسیار پرداخته شده است.

۸- کوثر در قرآن

پس از ذکر روایات و بیان تفاسیر البته به نحو مجمل به یک نکته اشاره می کنیم، که زیر بنای روشی نوین است و آن اینکه در انس و ارتباط با کلام الهی باید توجه کرد؛ هر کلمه در قرآن به منظور خاصی استفاده شد، که در جای خود منحصر به فرد است و هیچ لغت دیگری حتی اگر از لحاظ مفهوم به آن نزدیک باشد، نمی تواند جایگزین آن قرار گیرد. کلمات سوره قرآنی بارها در قرآن کریم تکرار شده ولی کلمات اصل سوره مبارکه کوثر که در شأن فاطمه زهرا (سَلَامُ اللهُ عَلَيْهَا) نازل شده که در هیچ کجای قرآن تکرار نشده است.

- "أَعْطِي وَ يُعْطِي" تکرار شده است ولی کوثر فقط در این سوره ذکر شده است.

- «فَصَلِّ لِرَبِّكَ» به معنای نماز بگذار از مختصات همین سوره است.

- کلمه «وَأَنْحَر» (قربانی کن) اشاره به مقامی است که رفع نیاز از نیازمندان می کند و زینت بخش همین سوره است.

- «شَانُكَ وَابْتِر» هم فقط مختص به همین سوره است.

۱ تفسیر فخر رازی

۲ روح المعانی، فی التفسیر فی القرآن العظیم، ج ۱۵، ص ۴۸۱-۴۸۲

۳ عبدالله بن عمر بن محمد بیضاوی شیرازی

۴ بیضاوی، انوار التنزیل و اسرار التاویل، ج ۵، ص ۳۴۲

«كثيرٌ وَاكْثَرُ» مکرر در قرآن آمده است ولی "کوثر" فقط در این سوره ذکر شده است.

در این آیات، ذات اقدس الله در مقام عنایت و لطف خاص خود، به اعطای کوثر بر حبیبش حضرت ختمی مرتبت تفضل فرموده و منت نهاده است. معطی، ذات اقدس الله و امر اعطایی، کوثر بوده و آن کس که این اعطا به او تعلق گرفته، پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) است. چون خداوند، کمال و جمال محض است، کوثر اعطایی او، هیچ رنگ و حدی ندارد و صورت نازله ی کمالات او، در ظرفی است که نهایت استعداد را در گرفتن نهایت کمال داشته است.

۹- بلاغت سوره کوثر

سوره کوثر جهت تعظیم سوره با صیغه جمع یعنی "إِنَّا" آغاز شده و جهت تأکید حرف "إِنَّ" که خودش نیز معنای تأکیدی دارد را در محل قسم قرار داده شده است. فعل "أَعْطَيْنَاكَ" نیز به صیغه ماضی استعمال شده نه آینده، علت آن این است که در تحقق وعده خدا به پیامبرش است مبالغه می شود گویا آن خیر کثیر هم اکنون واقع شده است. «الکوثر» نیز به صیغه مبالغه آورده شده و بین آن با کلمه ابتر (کلمه آخر سوره) به جهت معنایی مطابقت وجود دارد، زیرا الکوثر به معنای خیر کثیر و الابتر به معنای منقطع از خیر کثیر است. "إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ" نیز معنای حصر را افاده می کند. و تقدیرش نیز، چنین است "إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ الْإِنْت."^۱

۱۰- کوثر به معنی نسل نیست

از شأن نزول این سوره که در جواب شماتت کنندگان به رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) به خاطر نداشتن فرزند ذکور نازل شده، معلوم می شود که هدف آنان از این شماتت نابودی مکتب و نظامی است که پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) آن را بنیاد نهاده است.

بنابراین نمی توان کوثریت را تنها در برابر ابتریت نسلی قرار داد، بلکه در برابر ابتریت نظام رهبری در اسلام باید قرار داد. آنچه برای دشمن مهم بود، خود آن حضرت نیست بلکه مکتبیاست که در برابر مکتب جاهلی ایجاد شده است. از همین رو آنان بارها پیشنهاد می دهند که؛ اگر پیامبر حکومت، دولت و رهبری می خواهد به او می دهند، به شرطی که دست از آموزه های اسلامی بردارد بنابراین، اختلاف و درگیری میان شرکان و پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) به حوزه تبلیغ اسلام باز می گردد.

۱ طبرسی، ترجمه تفسیر مجمع البیان، ج ۲۷، ص ۳۱۰. زحلی، التفسیر المنیر، ج ۳۰، ص ۴۲۲

آنچه آنان به شکل صریح بیان می کردند، بتبریت در رهبری و استمرار مکتب پس از رحلت آنحضرت (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) است. در آیات قرآن را هم بررسی کنیم، می بینیم؛ هر جا سخن از دادن فرزند، نسل و ذریه انبیا بوده از مشتقات فعل « وهب » استفاده شده است. لذا تعبیر کردن موارد دیگر به موضوع نسل صرف نظر از این علم و نشانه انسان را از مسیر درست تفسیر و تبیین آیات دور می کند.

۱۱- آیات مربوط به نسل

" وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ كَلَّا هَدِينَا... " ^۱ " و به (ابراهیم) اسحاق و یعقوب را بخشیدیم و همه را هدایت کردیم. "

" وَوَهَبْنَا لِدَاوُدَ سُلَيْمَانَ... " ^۲ " و به داوود (فرزندش) سلیمان را بخشیدیم. "

" وَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَى... " ^۳ " از اون دنیا را اجابت کردیم و یحیی را به او بخشیدیم. "

بنابراین می توان دریافت که سنت خدا در دادن فرزند و نسل در قرآن « يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ » است؛ نه « يُعْطِي مَنْ يَشَاءُ ». لذا تفسیر «واژه کوثر» به عنوان ذریه و نسل جای اشکال است.

چرا که در سوره کوثر، سخنی از هبه نیامده و از فعل اعطا استفاده شده است، از سوی دیگر کوثر عطایی هر چه باشد از نوع نعمت های بهشتی است و با بررسی آیات قرآن می بینیم نعمت های بهشت الهی، فیض و عطایی قطع نشدنی است. اگر کوثر را نسل و ذریه در نظر بگیریم، این ویژگی را ندارد. یعنی این عطا قطع شدنی است. خداوند در وصف احوال بهشتیان فرموده است:

" وَامَّا الَّذِينَ سِعِدُوا ففِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبِّكَ عَطَا غَيْرَ مَجْذُودٍ " ^۴ و اما سعادت مندان، جاودانه در بهشت اند، تا آسمانها و زمین بر پا است، مگر آنچه پروردگارت بخواهد؛ این عطایی قطع نشدنی است.

۱۲- حقیقت کوثر

با نگاهی آموزه های قرآن و روایات معتبر در حد تواتر معنای به دست می آید که این سوره نازل به حقیقتی فراتر از یک داستان شخصی و اختلاف میان عاص و پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) است.

۱ سوره انعام، آیه ۸۴

۲ سوره ص، آیه ۳۰

۳ سوره انبیا، آیه ۹۰

۴ سوره هود، آیه ۱۰۸

سَلَّمَ) است زیرا دشمنان پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) از کافران، مشرکان و منافقان در انتظار بودند تا با رحلت پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) مکتب اسلام از میان برود.

زیرا پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فرزندی ندارد که این مکتب را رهبری و مدیریت کند، و استمرار دهنده حاکمیت و ولایت الهیه اوباشد؛ و فاتحه اسلام خوانده شود، از سوی دیگر تعمیم عطیه الهی به نام کوثر، این نتیجه حاصل می شود که: «کوثر» نوعی اذن و قدرت تصرف در کائنات و هستی است از سوی خداوند به پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) اعطا شده و آن حضرت راضی می کند.

اما توجه به این نکته که هیچ یک از امور مادی نمی تواند وجود والا و عظیم ایشان را راضی کند، نشان می دهد که این اعطای خداوند و این اذن الهی حقیقتی معنوی است همان که در لسان آیات و روایات به «ولایت» تعبیر می شود. در بیان السعاده آمده است: "بدان که ولایت همان کوثر است و بیشتر معانی کوثر در آن موجود است و آن چیزی است که خدای تعالی تمام حقیقت آن را به محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) داده است."^۱

آنچه برای پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) اهمیت داشت استمرار نسل نیست، بلکه استمرار آن چیزی است که، همه زندگی و جان و مالش را در راه آن فدا کرده است. پیامبری که جان و مال خویش را فدای اسلام می کند، حاضر است نسل خویش را نیز فدا کند تا اسلام بماند؛ و گرنه دیگر امیدی برای اصلاح مردمان در آینده نخواهد بود. بنابراین، از سوره و تقابل موجود میان کوثر و ابتر به دست می آید که اگر دشمنان، نابودی اسلام را پس از پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) انتظار داشتند، با وجود کوثر دیگر این آرزوی آنان محقق نخواهد شد. بلکه با استمرار ولایت از نسل فاطمه (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهَا) اسلام نیز ادامه می یابد در حقیقت از نظر قرآن، ادامه آثار امامت، از طریق نسل پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) محقق می شود.

اسامی و مشخصات اوصیاء به طور کامل ارائه شده است.^۲ و دشمن را در مقابل «ابتر» معرفی کرده است. خداوند به پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) در این سوره می فرماید: "ای پیامبر، به تو، دختری دادیم که خیر مطلق و فراوان است. ای پیامبر، به شکرانه این نعمتی که به هیچ کس داده نشده و نخواهد شد، نماز بخوان" و در هنگام تکبیر، دست هایت را بلند کن که این یک حالت خضوع برای بنده، و جلالتی است برای خدا! ای پیامبر، این کوثر استمرار بخش رهبری و ولایت تو در امت خواهد بود و این گونه، دین اسلام ابتر نخواهد بود و با رهبری کوثر ادامه می یابد.

۱ گنابادی، بیان السعاده، ج ۱، ص ۶۳۰

۲ طبرسی، الاحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۱، ص ۵۶، نعمایی، الغیبة للنعمایی، ص ۷۰، شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۵۸.

کوثر تنها حضرت فاطمه بنت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) نیست، بلکه ایشان یکی از مصادیق بارز و آشکار آن هستند؛ زیرا کوثر و خیر کثیر و فراوان همان اهل بیت عصمت و طهارت است که مسئولیت رهبری و ولایت و امامت را به عهده خواهند گرفت و تا روز قیامت مکتب اسلام و امت اسلام را رهبری می‌کنند. در بیان السعاده آمده است: "کوثر چیزی است که در آخرت به صورت نحر و حوض می‌باشد و آن چیزی که صورت علی (عَلَيْهِ السَّلَام) را در دنیا به آن مصور شده و آن را خدا به محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) داده و بر او منت گذاشته است." پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) در زمان ازدواج حضرت علی (عَلَيْهِ السَّلَام) با حضرت فاطمه (سَلَامُ اللهُ عَلَيْهَا) به خیر کثیر اشاره فرمودند: "وَأُخْرِجُ مِنْكُمْ أَكْثَرَ الطَّيِّبِ" خداوند از شما دو تن، نسل کثیر و پاکیزه بیرون آورد.

انس گفت: "وَاللَّهِ أُخْرِجُ مِنْهُمَا أَكْثَرَ الطَّيِّبِ" خداوند از آن دو، نسل زیاد و پاکیزه‌ای بیرون آورد.^۲

۱۳- حقیقت کوثر، استمرار ولایت پیامبر

با نگاهی به آموزه‌های قرآن و روایات معتبر در حد تواتر این معنا به دست می‌آید که این سوره ناظر به حقیقتی فراتر از یک داستان شخصی و اختلاف میان عاص با پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) است؛ زیرا دشمنان پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) از کافران، مشرکان و منافقان در انتظار بودند تا با رحلت پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)، مکتب اسلام از میان برود.

زیرا پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فرزندی ندارد تا این مکتب را رهبری و مدیریت کند؛ آنان بر این باور بودند که فرزندان ایشان هستند که افکار و عقاید و مکتب آنها را حفظ می‌کنند و استمرار می‌بخشند؛ چنانکه فرزندان پیامبران در گذشته تاریخ این گونه عمل کردند. مانند فرزندان حضرت ابراهیم (عَلَيْهِ السَّلَام) از اسماعیل و اسحاق بودند که مکتب حنیف حضرت ابراهیم (عَلَيْهِ السَّلَام) را زنده نگه داشته بودند. آنان در انتظار بودند تا با مرگ پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) مردم به عصر جاهلیت باز گردند. و چنین تصویری غلبه داشت.

خداوند می‌فرماید: "و محمد جز فرستاده ای که پیش از او هم پیامبرانی آمده و گذشتند، نیست آیا اگر او بمیرد یا کشته شود از عقیده خود برمی‌گردید؛ و هر کس از عقیده خود باز گردد هرگز هیچ زبانی به خدا نمی‌رساند؛ و به زودی خداوند سپاسگزاران را پاداش می‌دهد."^۱

۱ گنابادی، ترجمه بیان السعاده، ج ۱، ص ۶۳۶-

۲ مغربی، المناقب، ج ۳، ص ۳۵۱

بر اساس روایات گوناگون عاص بن وائل این شماتت را چندین بار تکرار کرد و افراد دیگری چون ولید بن مغیره، ابوجهل، عقبه بن ابی معیط، کعب بن اشرف و ابولهب نیز این شماتت را تکرار می کردند که، حضرت پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) نسلی ندارد تا استمرار دهنده حاکمیت ولایت الهی او باشد.

بنابر این، با مرگ آن حضرت (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فاتحه اسلام خوانده می شود و مردم دوباره رها شده و هر کسی به مکتب جاهلی خودش باز می گردد و نظام امت فرو می باشد بدون رهبری از نسل پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) تعهدی وجود ندارد تا مکتب را حفظ و استمرار بخشد. اثبات کردیم کوثر به معنای نسل نیست بلکه نوعی تصرف و ولایت در تمام هستی در آن نهفته است که به پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) اعطا شده است. "ولایت همانا تصرف به بطن موجودات برای پرورش آنهاست و اتصال شهودی به عالم لاهوت است".^۱

پس حقیقتی معنوی است که با رفتن جسم پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) از دنیا از بین نمی رود و قطعاً می ماند به عبارت دیگر "رب العالمین" که رحمت و اسعه است بیواسته کوثر اعطایی وجود رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) را رحمت و نعمت برای تمام عالم قرار داده و او را "رحمة للعالمین" نامید. یعنی حقیقتی که تمام زیبایی ها را دارد. «حقیقت فاطمی» تمام آنچه را که حقیقت محمدی (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) را که زندگی بخش تمام عوالم امکانی به اذن خداست و از او تعبیر به روح می شود خداوند فرموده است:

"أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ رُوحِي" راداراست و در رتبه بعدی حقیقت علوی علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) را در بطن خود پرورش داده و منشاء ظهور تمام هستی شد. چنان که خداوند به پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فرموده است: "لَوْلَا كَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاقَ وَلَوْلَا عَلِيٌّ لَمَا خَلَقْتُكَ وَ لَوْلَا فَاطِمَةُ لَمَا خَلَقْتُكُمْ"^۲

"اگر تو نبودی، افلاک را خلق نمی کردم؛ اگر علی نبود تو را و اگر فاطمه نبود، شما دو تن را نمی آفریدم." از این رو بانوی دو عالم حضرت فاطمه زهرا (سَلَامُ اللهُ عَلَيْهَا) را «ام ایها» نامیدند.

۱ آل عمران، آیه ۱۴۴

۲ ربانی، کوثر ربانی، ص ۴۰

۳ مرندي، مجمع النورين، ص ۱۸۷

مکتب فاطمی را می توان چنین توصیف کرد: «مجموعه‌ای از فضایل انسانی و منظومه‌های از گل واژه‌های نیک زیستن است که در هسته مرکزی آن پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) قرار گرفته است و فرزندان معصومش اقمار این منظومه هستند.»

۱۴- روش فیض امت از کوثر

با توجه به آیات و روایات ذکر شده انسان باید کوثر را بشناسند و از برکات آن بهره مند شوند؛ زیرا اگر چنین شناختی را از دست دهد، نمی تواند از کوثر بهره‌مند شود بسیاری از مردم گمان برده اند که کوثر قرآن، شفاعت، ومانند آن است که هیچ ربطی با سوره ندارد، و با توجه به تناسب آیات می توان دریافت که در اینجا امری است که در بالا یاد شد. از نظر آموزه های قرآنی همانطور که پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) موظف است به شکرانه کوثر، نماز شکر به جا آورد و شتر قربانی کند؛ انسان اگر بخواهد از معصومین (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) بهره مند شود، باید به این طریق شکر گذاری که موجب افزایش سعه وجودی انسان می شود، بهره گیرد.

انسان با شکر نعمت به کمالات خود می‌افزاید، بی‌گمان شکر نعمت کوثر در افزایش چنین سعه وجودی و بهره‌مندی از فضایل و کمالات انسانی نقش اساسی دارد. شکر نعمت آن است که از نعمتی به درستی بهره گرفته شود؛ پس درباره نعمتی چون نعمت اهل بیت (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) تنها محبت و مودت ظاهری به کار نمی‌آید، بلکه با اطاعت است که این محبت نمایش داده می‌شود. خداوند در قرآن به پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) می‌فرماید: "بگو اگر خدا را دوست دارید از من پیروی کنید تا خدا دوستتان بدارد و گناهان شما را بر شما ببخشد و خداوند آمرزنده مهربان است. بگو خدا و پیامبرش را اطاعت کنید پس اگر رویگردان شدند قطعاً خداوند

کافران را دوست ندارد"^۱

پس کسی که در ظاهر محبت به اهل بیت (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) و کوثر الهی دارد، باید این محبت را عملاً در قالب اطاعت به نمایش گذارد و هر آنچه را که ایشان در قالب امر و نهی بیان کرده‌اند، به عنوان حکم الهی بپذیرند و اطاعت کنند. پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) در موارد متعدد اعلام کردند که مقام ولایت شان پس از رحلت ایشان به حضرت علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) منتقل می‌شود و سپس به فرزندان ایشان امام حسن و امام حسین (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ) و پس از آن به فرزندان امام حسین (عَلَيْهِ السَّلَامُ) تا آخرین آن حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می‌باشد. تا این فیض

الهی عالم گیر شود. بهجت (زه) می فرماید: "وای بر کسانی که مدعی قرب خدا هستند اما ولی خدا را نمی شناسند"^۱

۱۵- دشمنان ولایت ابر از وجود

با تأمل در آنچه تاکنون بیان شد، درمی یابیم که خداوند کوثر را به پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) اعطا کرد و از طریق اهل بیت خود به عنوان خالص ترین مجرا، آن را برای تمام بشریت بلکه تمام هستی، جاری کرد. همانا مخالفان و دشمنان او ابرند و سود و بهره ای از کوثر ندارند بلکه خود بی ثمر و فاقد آثار وجودی اند. "ان شائکک هُوَ الْاَبْتَرُ" نه که خداوند، عطایش را از آنان باز دارد؛ بلکه آنان خود و با آگاهی، باب این عطا را می بندند دشمن کوثر یعنی دشمن ولایت! خداوند دشمنان ولایت را ابر و مقطوع النسل می داند و این مخالفت آگاهانه با ولایت، مخالفت با وجود و هستی است؛ چون تمام هستی، از آن ولایت است.

"لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ....." پس مبعوض ولایت مبعوض خداست و نور فطرتش خاموش شده است و کفر باطنی دارد^۲.

نتیجه گیری

شان نزول سوره کوثر به وجود مقدس حضرت فاطمه زهرا (سَلَامُ اللهُ عَلَيْهَا) بر می گردد و بسیاری از مفسران گفته اند: کوثر و خیر کثیر همان حضرت فاطمه زهرا (سَلَامُ اللهُ عَلَيْهَا) می باشد. کوثریت حضرت فاطمه زهرا (سَلَامُ اللهُ عَلَيْهَا) تا آنجا اهمیت پیدا می کند که سوره ای اختصاصی برای بیان این حقیقت نازل می شود. زیرا وجود مبارک آن حضرت (سَلَامُ اللهُ عَلَيْهَا) موجب شده تا مسئله « ابریت » از میان برود و دشمنان از اهداف خویش بازمانند؛ اما جای خالی در ابعاد حقیقی ولایی، حضرت فاطمه (سَلَامُ اللهُ عَلَيْهَا) باقی است.

مقاله حاضر در « حقیقت و معنای کوثر در آیات و روایات » به این مطلب پرداخته است، که کوثریت در تقابل با ابریت، یک مسئله شخصی همانند داشتن نسل نیست، بلکه کوثریتی مبتنی بر وراثت و ولایت الهی است که در تقابل با ابریت این ولایت مطرح شده است. بی تردید آنچه که دشمنان پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) را خوشحال میکرد، نابودی جریان رهبری اسلام و آنچه آنان را ناامید و مؤمنان را امیدوار می کرد استمرار رهبری جامعه از نسل پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) است. لذا اثبات این امر مهم که پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) مقطوع النسل و ابر

۱ بهجت، امام زمان در کلام بهجت، ص ۳۶

۲، همان، ص ۳۰

نبوده اند و ولایت الهی از طریق سلاله پاک ایشان ادامه یافته است، از اهمیت خاصی برخوردار است.

با بررسی و نتایج حاصل از تحقیق حاضر در می یابیم؛ کوثر خیر کثیری است که، خداوند در مقام لطف به پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) اعطا نموده و کثرتی که انتها و فنا ندارد و حلقه شکوهمند، رسالت و امامت گردیده و زیباترین انوار جمال و جلال حضرت حق را در آینده ی وجود خود به شهود نشانده است. این خیر کثیر، سبب استمرار ولایت از طریق نسل فاطمی شده است که از اولین امام شروع و با فرزندان امام حسین (عَلَيْهِ السَّلَامُ) ادامه یافته و تا تحقق اراده ی کامل خدا و خروج آخرین حجت حی و حاضر از پس غیبت و غربت و تشکیل حکومت جهانی توحید به دست ایشان ادامه دارد. پیشنهاد می شود در مطالعات آینده به بررسی و شناخت بیشتر معرفت امام (عجل الله تعالی) در سایه تطبیق با مفاهیم این سوره عظیم پرداخته شود و این سیر با گردن نهادن به آن امام حق در مسیر "فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ" ادامه یابد.

منابع

*قرآن

کتاب فارسی

۱. بهجت، محمد تقی، امام زمان در کلام بهجت، نشر معارف، بنیاد فرهنگی مهدی عجل الله، چاپ اول، ۱۳۸۹ ه. ش.
۲. بیستونی، محمد، مفاهیم قرآن کریم، تهران: ایران بنیاد فرهنگی جوان، چاپ چهارم، ۱۳۸۷ ه. ش.
۳. خامه گر، محمد، ساختار سوره های قرآن، بی نا، موسسه فرهنگی نورالثقلین، ۱۳۹۲ ه. ش.
۴. ربانی، محمد رضا، کوثر ربانی، تهران: موسسه بنیاد محقق طباطبایی، چاپ اول، ۱۳۷۱ ه. ش.
۵. رخشاد، محمد حسین، در محضر علامه طباطبایی (ره)، تهران: نهانندی، چاپ اول، ۱۳۸۱ ه. ش.
۶. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دارالکتاب اسلامی، چاپ ششم، ۱۳۷۱ ه. ش.
۷. معرفت، محمد هادی، آموزش علوم قرآن، تهران: موسسه فرهنگی تمهید، چاپ نوزدهم، ۱۳۹۶ ه. ش.

۱. ابن عاشور، محمد الطاهر، التحرير و التئوير، تونس: الدار تونسیه للنشر، ۱۹۸۴ ه.ق.
۲. ابن منظور، جمال الدين، لسان العرب، بيروت: دار الاحياء التراث چاپ اول، ۱۴۰۸ ه.ق.
۳. استرآبادی، شرف الدين، تأويل الايات الظاهره، قم: نشر الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۹ ه.ق.
۴. بحرانی، سيد هاشم، البرهان فی تفسير القرآن، تهران: بنياد بهساز، چاپ اول، ه.ق.
۵. بیضاوی، ناصرالدين، انوار التنزيل و اسرار التأويل، بيروت: دار الاحياء التراث، ۱۴۱۸ ه.ق.
۶. تعالی، ابو منصور، فقه الغه - اسرار العربيه
۷. مرندی، ابوالحسن بن محمد، مجمع النورين، مترجم: حسين جعفری زنجانی، بی نا، آل عبا، چاپ اول، ۱۳۸۱ ش.
۸. راغب اصفهانی، حسين ابن محمد، المفردات لفاظ قرآن، مترجم: حسين خداپرست، قم: نوید اسلام، چاپ اول، ۱۳۸۷ ش.
۹. زحیلی، وهبه، تفسير المنير، دمشق: دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۱۱ ه.ق.
۱۰. شيخ صدوق، كمال الدين و تمام النعمه، مترجم: شيخ منصور، بی نا، جامعه مدرسین، ج ۱، قرن چهارم.
۱۱. طباطبائی، محمد حسين، تفسير الميزان، مترجم: موسى همدانی، قم: دارالکتب اسلامیه، چاپ اول، ۱۳۷۸ ه.ش.
۱۲. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، مشهد: نشر المرتضی، چاپ اول، ۱۴۰۳ ه.ق.
۱۳. طریحی، فخرالدين، مجمع البحرين، مترجم: اسماعیل زین العابدین، تهران: ناصر خسرو چاپ سوم، ۱۳۷۵ ه.ش.
۱۴. فخررازی، محمد بن عمر، التفسیر الكبير یا مفاتیح الغیب، مترجم: علی اصغر حلبی، بيروت: اساطير، چاپ سوم، ۱۴۲۰ ه.ق.
۱۵. -فرات کوفی، فرات بن ابراهيم، تفسير فرات کوفی، بيروت: وزارت ارشاد، چاپ اول، ۱۴۱۲ ه.ق.

۱۶. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، قاموس المحيط، بیروت: دارالکتاب منشورات، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.

۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، قم: دارالحديث، چاپ اول، ۱۴۲۹ ه. ق.

۱۸. گنابادی، سلطان محمد، بیان السعاده فی المقامات العباده، تهران: سرالاسرار، چاپ اول، ۱۳۴۱ ش.

۱۹. مدرسی، محمد تقی، من الهدی بالقران، تهران: دارا محبی الحسین، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.

۲۰. معتزلی، ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، بیروت: دارالاحیاء التراث، چاپ دوم، ۱۲۷۸ ه. ق.

۲۱. مغربی، قاضی نعمان، المناقب، قم: موسسه علامه، چاپ اول، ۱۴۲۳ ه. ق.

۲۲. نراقی، احمد، معراج السعاده، قم: موسسه فرهنگي طوبای محبت، چاپ اول، ۱۳۸۵، ه. ش.

۲۳. نعمائی، محمد بن ابراهیم، الغیبه النعمایی، تهران: نشر صدوق، چاپ اول، ۳۴۲ ه. ق.

۲۴. واحدی، علی بن احمد، اسباب نزول القرآن، مترجم: محمد جعفر اسلامی، لبنان، عالم الکتب، چاپ دوم، ۱۳۷۱ ه. ش.

فهرست مقالات

۲۵- عرب، حسین، «از سراب تکاثر تا حقیقت کوثر» استاد حوزه و دانشگاه، پایگاه خبری جماران، مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۹۳/۱/۳۱.